



Family Comparison in Islam and the West

Sahar Nikpour *

PhD student of women's studies and women's
rights in Islam, Qom University of Religions and
Denominations, Qom, Iran.

Abstract

Since the beginning of history, the family has been the main social institution, the foundation of societies and the origin of cultures, civilizations and human history. Dealing with this fundamental building and guiding it to its true position has always been the reason for reforming the great human family and neglecting it has caused mankind to move away from real life and fall into the abyss of destruction. In today's changing world, few things can be found that remain unchanged, the changes have also included the family and major changes have been made in it. In this article, we intend to express the state of the family and its transformations in the West and Iran and the effectiveness of the solutions provided in Islam to preserve this sacred social institution. It is important to pay attention to this issue because western societies are seeking to develop laws that solve human issues and problems by referring to human reason and changing moral and behavioral norms. In regard with family and human issues, trusting the humanistic schools is quite pointless and useless, and the only way is to use the religious model because the divine laws are comprehensive and have the ability to ensure the happiness of this world and the hereafter.

Keywords: islam, iran, family law, west

Received: 04/August/2022

Accepted: 23/October/2022

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

مقایسه نهاد خانواده در اسلام و غرب

دانشجوی دکتری مطالعات زنان و حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب قم،
قم، ایران.

سحر نیک‌پور *

چکیده

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی‌اش همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. در دنیای متغیر امروزی هم که گویی کمتر چیزی را می‌توان بدون دگرگونی یافت، تغییر خانواده را هم در بر گرفته و تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد شده است. در این مقاله قصد داریم به بیان وضعیت خانواده و دگرگونی‌های آن در غرب و ایران و کارایی راهکارهای ارائه‌شده در دین اسلام جهت حفظ این نهاد مقدس اجتماعی بپردازیم. توجه به این مسئله از آنجا حائز اهمیت است که جوامع غربی با استناد به عقل بشری و تغییر هنجارهای اخلاقی و رفتاری در پی تدوین قوانینی هستند که مسائل و مشکلات بشر را گره‌گشایی کنند. این امر در حالی است که در مسائل خانوادگی و انسانی، اطمینان به مکاتب بشری، کاری بس عبث و بیهوده است و تنها راه‌حل، استفاده از الگوی دینی است زیرا قوانین الهی، همه‌جانبه‌نگر بوده و توانایی تأمین سعادت دنیا و آخرت بشر را دارند.

کلیدواژه‌ها: اسلام، ایران، حقوق خانواده، غرب

مقدمه

خانواده، از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه‌ها بوده که از آغاز بشر وجود داشته است. خانواده، اولین جمعی است که انسان در آن وارد می‌شود و آداب و رسوم اخلاقی را از آن می‌آموزد. خانواده، در حفظ و گسترش قدرت ملی نقش مؤثری را ایفا می‌کند به بیان دیگر، رابطه‌ای نزدیک بین قدرت ملی و خانواده وجود دارد و سستی و تباهی خانواده‌ها انحطاط ملت را به دنبال می‌آورد و نیز تاریخ از سستی خانواده در دوره‌های انحطاط خبر می‌دهد. خانواده از نظر اقتصادی نیز نقش مهمی را در طول تاریخ ایفا کرده است، مخصوصاً در کشور ما هنوز اکثر واحدهای کشاورزی با همکاری و خودیاری اعضاء خانواده اداره می‌شوند. خانواده، از جهات دیگر نیز در اقتصاد کشور مؤثر است؛ کسی که دارای خانواده است، به زندگی و فعالیت‌های اقتصادی علاقه بیشتری نشان می‌دهد، بیشتر کار می‌کند و درآمد بیشتری به دست می‌آورد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۲).

مفهوم خانواده

خانواده در میان اهل لغت به معنای خاندان، دودمان، خیل خانه، تبار، دوده، اهل خانه و اهل البیت آمده است (دهخدا، ۱۳۵۹). از نظر حقوقی، خانواده عبارت است از مجموع اشخاصی که به واسطه قرابت به هم بستگی داشته و این خویشاوندی رابطه‌ای است که از نسب، نکاح یا رضاع حاصل می‌شود. نکاح، عقدی است که به واسطه آن، زن و مرد به قصد مشارکت در زندگی و تعاون با یکدیگر قانوناً متحد شده‌اند. این تعریفی است که حقوقدانان ما تقریباً به طور هم‌آهنگ از نکاح داشته‌اند (کرمانی، بی‌تا).

خانواده به معنای عام یا خانواده گسترده عبارت از گروهی است مرکب از شخص و خویشان نسبی همسر او، یعنی گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند (صفایی و امامی، ۱۳۸۴). ضابطه این خانواده، همان ارث بردن است (کاتوزیان، ۱۳۸۲).

به هر حال، خانواده به معنای گسترده در قدیم اهمیت بیشتری داشته ولی در عصر جدید اهمیت خود را تا حد زیادی از دست داده است. خانواده در معنای هسته‌ای آن و در فضای امروزی، عبارت از زن، شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آن‌هاست که معمولاً با یکدیگر زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. معیار ضابطه تشکیل این خانواده همان ریاست یک شخص بر اعضاء آن است (امامی، ۱۳۷۶).

خانواده از لحاظ اجتماعی

خانواده، اولین مکتب شایسته‌ای است که انسان آن را به صورت اجتماعی شکل بخشیده، در آنجا حس از خود گذشته‌گی و مفهوم تعاون را فرا می‌گیرد و برای شرکت در گروه‌های بزرگ‌تر آماده می‌شود. همبستگی اخلاقی-اجتماعی در خانواده سبب می‌شود در روابط زوجین، علاوه بر تمایلات جنسی، روابط آمیخته با اخلاقیات، عواطف و تعاون یگانگی به منظور تحکیم مبانی انسانی ایجاد شده و کانون مقدسی به منظور تأمین سعادت افراد خانواده و نتیجتاً پیشرفت اجتماع به وجود آید (دیانی، ۱۳۷۹).

تعریف ازدواج

نکاح یا ازدواج در قانون مدنی ایران و بسیاری از کشورها تعریف نشده است. نکاح در لغت به معنای ضم (پیوستن) است و در اصطلاح حقوقی می‌توان آن را چنین تعریف نمود: «نکاح، قراردادی است که به موجب آن، زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند».

بعضی از استادان حقوق در تعریف نکاح گفته‌اند: «نکاح، رابطه‌ای حقوقی است که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند». البته، تمتع جسمی از مهم‌ترین اغراض نکاح است و شاید مهم‌ترین هدفی است که اشخاص را به عقد نکاح وامی‌دارد ولی اغراض دیگری مانند توالد، تناسل و همکاری در زندگی نیز در نکاح وجود دارد. بعضی از حقوق‌دانان اسلامی، نکاح را چنین تعریف کرده‌اند: «نکاح، عقدی است که به هر یک از زوجین، حق استمتاع از دیگری را به وجه مشروع می‌دهد». اگر استمتاع را در این تعریف به معنای عام و شامل هر گونه بهره‌گیری بدانیم، تعریف مذکور به جا و قابل قبول خواهد بود (ماهوتی زرعی، ۱۳۷۹).

تاریخ خانواده و اشکال آن

خانواده، یگانه سازمان اجتماعی بادوام و همگانی است که از دیرباز در زندگی بشرهای ماقبل تاریخ، حتی قبل از عبادتگاه و دولت و هر سازمانی که برای تمرکز فعالیت آدمی به وجود آمده، وجود داشته است. گرچه خطراتی در طول تاریخ برای آن پیش آمده که بر اثر آن نزدیک بوده خانواده از بین برود ولی چون روابط انسانی در این سازمان، بیشتر و بهتر از سایر روابط، برآورنده مهم‌ترین خواست‌های حیاتی اوست، لذا این امر موجب شده که این سازمان بتواند به کار مستمر خود ادامه دهد و از جمع به پراکندگی نگراید. مردم‌شناسان می‌گویند که علت استمرار و دوام خانواده از آن است که روابط اجتماعی در خانواده، حوائج آدمی را به بهترین وجه برآورده نموده و رفع نیازمندی‌های او در هیچ رابطه‌ای به غیر این رابطه به این خوبی و آسانی امکان‌پذیر نیست. روابط آدمیان و اشکال خانوادگی، بستگی به قدرت خاص انسانی دارد و شکل آن در ادوار مختلف متفاوت است. نظر صاحب‌نظران این است که در هر زمان و مکان خاصی، شکل هر سازمان اجتماعی (که خانواده نیز یکی از آن‌هاست) در حقیقت شکلی است که از برخورد احتیاجات کلی بشر با در نظر گرفتن شرایط موجود خاص حاصل می‌شود و این شکل با تغییر شرایط عوض می‌گردد. همچنین، اگر احتیاجات زیربنایی جامعه تغییر پذیرد، شکل خانواده نیز تغییر خواهد کرد. با بیان این قاعده، همواره می‌توان اشکال متفاوت و متغیر خانواده‌ها را تشخیص داد. بسیاری از دانشمندان قرن نوزدهم بر این باور بوده‌اند که اشکال فعلی خانواده، مترقی‌ترین شکل آن است؛ شکلی که در نیم قرن بعد تغییر یافت. بر حسب تشخیص آنان، اشکال خانواده در طول تاریخ بدین گونه بوده است؛ گروه‌های مختلط، خانواده‌های پدرسالاری با چند زن، مادرسالاری و خانواده‌های مرکب از پدر و مادر و بچه‌ها البته با تغییراتی اندک. آنچه در اینجا باید گفت این است که تفاوت موجود بین فرق‌های مختلف خانواده‌ها در سرتاسر جهان، بیشتر بستگی به تاریخ و فرهنگ آن‌ها دارد تا به قضایای بیولوژیکی.

خانواده در اسلام

اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، قداست و منزلت خاصی برای خانواده قائل شده است به نحوی که هیچ بنا و نهادی با آن قابل مقایسه نیست. تعبیراتی که در قرآن و روایات درباره خانواده به کار رفته است، به خوبی این مدعا را روشن می‌نماید. خدای سبحان در آیه ۲۱ سوره مبارکه نساء از پیوند ازدواج که موجب تشکیل خانواده می‌شود، به «ميثاق غلیظ» یا پیمان محکم یاد نموده است. در آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل، خانواده «نعمت الهی» نامیده شده است و نیز رسول گرامی اسلام آن را محبوب‌ترین و عزیزترین بنا نزد خدای سبحان توصیف نموده و فرموده که هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند متعال، بنا نگردیده است.

کارکردهای خانواده در اسلام

خانواده با توجه به ظاهر برخی از آیات قرآن، کارکردهای فراوانی دارد. در نگاه قرآن، خانواده فراموش‌خانه رنج‌های روزانه است. با توجه به آیه ۲۱ سوره مبارکه روم، خانواده به اعتبار وجود همسر در آن، مایه سکون و آرامش معرفی گردیده است. تعبیر «لتسکنوا» در این آیه، مبین علت خلقت همسر برای انسان است؛ بنابراین، انسان در کنار جنس مخالف (همسر) آرامش می‌یابد. کارکرد دیگر خانواده از نگاه قرآن، آیه «وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و...» بوده که خانواده را مأمنی برای ارضاء مشروع غریزه جنسی دانسته است زیرا ازدواج، یگانه راه ارضاء مشروع و صحیح غریزه جنسی است. سومین کارکرد آن، معرفی خانواده به عنوان کانون مهر و محبت بوده که خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم، این نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن را بیان فرموده است.

کارکرد دیگر، بقای نسل است. انسان دارای میل طبیعی و غریزی به بقا بوده و بقای خود را در تداوم نسل می‌بیند. در یک رابطه آزاد جنسی، زاد و ولد صورت خواهد گرفت لکن نسل‌ها مشخص نخواهد بود. خداوند در آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل، داشتن خانواده را تضمینی برای داشتن نسلی متمایز معرفی می‌کند.

کارکرد دیگر، پرورش نسلی صالح در خانواده است. فرزندی که محصول پیوند زن و مرد هستند، برای پرورش سالم و صالح نیاز به یک کانون مناسب دارند. خانواده این بستر را فراهم می‌نماید که در آیه «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» به آن اشاره گردیده است. کارکردهای بیان‌شده، خانواده را یک نهاد بی‌بدیل ساخته است. به عبارت دیگر، نقش خانواده در تأمین نیازهای طبیعی زوجین به گونه‌ای است که هیچ چیز نمی‌تواند جانشین آن گردد.

اگر نیاز زن و مرد به یکدیگر تنها برای ارضاء غرایز جنسی باشد، این مقصود در روابط آزاد جنسی نیز تأمین می‌شود و تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت‌های آن بیهوده می‌نماید. ارتباط غیر مشروع، میل جنسی انسان را برای لحظات کوتاهی برآورده می‌سازد ولی به هیچ وجه قادر به ایفای کارکردهای فراوان خانواده نیست بلکه زیان‌های جبران‌ناپذیری را نیز به دنبال دارد؛ به همین دلیل، اسلام آن را نمی‌پذیرد (فعالی، ۱۳۹۴).

اصول حاکم بر خانواده در اسلام

دین اسلام و کتاب آسمانی ما قرآن نیز موضع خود را در قبال مسئله استحکام خانواده و جلوگیری از سستی و انحلال آن به خوبی بیان کرده است. قرآن با بیان اصول و رعایت آن، راه استحکام خانواده و سعادت دنیا و آخرت را برای انسان‌ها مشخص نموده است. اصولی مانند اصل محبت (آیه ۲۱ روم)، اصل شفقت (آیه ۲۵-۲۶ طور)، اصل مغفرت (آیه ۱۴ تغابن)، اصل امانت (آیه ۳۴ نساء)، اصل دאوری و حکمیت (آیه ۳۵ نساء) و اصل وفاداری در اخلاق جنسی شامل کوتاه نمودن نگاه (آیه ۳۱-۳۲ نور)، پوشیدگی بدن (آیه ۵۹ احزاب)، خودداری از گفتار و رفتار تحریک‌آمیز (آیه ۳۲ احزاب) را بیان کرده است (مهدوی کنی، بی‌تا).

تاریخ خانواده در غرب

قرن بیستم، قرن بلاهای زاده بشر برای خود است؛ قرن‌ی که جنگ‌های جهانی آن، میلیون‌ها نفر را به خاک و خون کشید و جنگ سردش هزاران نفر را به آغوش مرگ خاموش انداخت. با این حال، فجایع قرن بیستم تنها نشأت گرفته از کنش-واکنش‌های سیاسی نبود بلکه فسادهای اخلاقی و انحرافات جنسی نیز فجایعی ضد بشری به بار آوردند؛ فجایعی که اثرات آن نیز با گذر زمان شدت می‌یابد. سقوط هیتلر و پایان جنگ جهانی دوم برابر شد با ظهور نسلی به نام «نسل فرزندان نامشروع». در حقیقت، پایان جنگ جهانی، از یک سو باعث تصرف کشورهای هم‌چون آلمان توسط سربازان بیگانه شد؛ کشورهایی که به واسطه لشکرکشی حاکمانشان، میلیون‌ها نفر از مردان جوان خود را از دست دادند. تلفاتی

که ترکیب جنسیتی این کشورها را به طور جدی به سمت سنگینی کفه به سمت زنان بالا برد. از سوی دیگر، با پایان یافتن این جنگ، افشاگری‌های تکان‌دهنده ذهن مردم را درگیر خود کرد؛ افشای فجایع انسانی مانند قتل عام لهستانی‌ها توسط شوروی، قتل عام چک‌ها توسط آلمان‌ها و کشته شدن میلیون‌ها سرباز باعث فرو ریختن تمام ارزش‌های اخلاقی و مسیحی در جامعه غرب شد.

با فروپاشی تمام ارزش‌های اخلاقی به جای مانده از عصر مسیحیت و فلاسفه اخلاق‌مدار غرب در نیمه ابتدایی این قرن، در پایان آن نیز روشنفکران غربی با ارائه توجیه و عرفی‌سازی انواع مفاسد و انحرافات از قبیل هم‌جنس‌گرایی، هم‌خانگی، رفتارهای جنسی بی‌قاعده و غیره باعث فرو ریختن تمام زیرساخت‌های اخلاقی جامعه خود شدند. این فروپاشی اخلاقی، نوک پیکان را به سمت مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی نهاد خانواده نشانه رفت. خانواده که حلقه نخستین تشکیل یک جامعه انسانی و نخستین مرکز آموزش و تربیت نسل آینده جامعه است و نسل آینده، کنش و واکنش‌های اجتماعی خود را در این نهاد فرا می‌آموزد. فلذا، سلامت و صلابت اخلاقی این نهاد، نسلی فرزانه و مسالمت‌جو را تحویل جامعه می‌دهد و در فقدان این گزاره‌ها، جامعه در آینده با نسلی پرخاشگر و ستیزه‌جو روبرو خواهد شد.

اصول حاکم بر خانواده در غرب

تعریف خانواده از نگاه غرب مبتنی بر اومانیسم و فمینیسم بنا شده است و تفاوت‌های ذاتی بین زن و مرد را نادیده می‌گیرد. این وضعیت جامعه‌شناسی موجود است که به اصطلاح، فارغ از ارزش بحث می‌کند. در نگاه جامعه‌شناسی جدید غرب، اساس بر اصالت فرد بوده و منافع شخص در اولویت است. تشکیل خانواده‌های غیررسمی و غیرمتعارف در غرب به دلیل عدم تمایل به پابندی زن و مرد در چارچوب خانواده و تنوع‌طلبی در روابط نامشروع، مبتنی بر همین دیدگاه اصالت فرد و در اولویت قرار دادن منافع شخص است.

بحران فروپاشی خانواده در غرب، ریشه در مجموعه‌ای از عوامل مختلف تاریخی همچون جنگ‌ها، تحولات اجتماعی، بحران‌های اقتصادی و دگرگونی عمیق ارزش‌های فرهنگی دارد. در فاصله کوتاه سه دهه، خانواده سنتی تقریباً ناپدید می‌شود، ارزش‌ها و هنجارها تغییر می‌یابد و شعارهای جامعه کنونی غرب، رشد خودمحوری و رضایت فردی را اساس خانواده و اجتماع قرار می‌دهد. نظریه‌های اومانیستی که بر رشد و خویش‌نمایی تأکید می‌کند، بر نظریه‌های قبلی که راه‌حل سازگاری را برای فائق آمدن بر مشکلات توصیه می‌کنند، پیروز شدند.

یک چالش به مراتب مهم‌تر در برابر ارزش‌های خانواده سنتی، حرکت جنبش آزادی‌خواه زنان یا فمینیست‌ها بود. مردود شمردن انتظارات اجتماعی از زنان به عنوان همسر و مادر و تسلیم در مقابل نیازهای شوهر و فرزندان، تأکید بر بالا بردن آگاهی زنان از نیازها و توانایی‌های خود، کمرنگ کردن اهمیت نقش مادری و خانه‌داری از جمله ویژگی‌های این جریان است.

انواع خانواده در غرب

در دنیای متغیر امروز که گویی کمتر چیزی را می‌توان بدون دگرگونی یافت، تغییرات عمده‌ای نیز در خانواده ایجاد شده است؛ تا جایی که اندیشمندان اجتماعی با توسل به تقلیل‌گرایی، کارکردهای خانواده را به یکی دو مورد تقلیل داده و به تعریف مجدد خانه و خانواده پرداختند. آن‌ها تعریف خانواده را گروهی از افراد می‌دانند که زیر یک سقف بوده و تحت مدیریت یک فرد هستند. آن‌ها انگیزه جنسی و زندگی در یک خانه را اوج تعریف یک خانواده می‌دانند. در عصر حاضر، خانواده از دید مبانی اجتماعی منحرف غربی، سه گونه است:

(الف) حالت زوج-زوج: متشکل از دو مرد هم‌جنس‌گراست. در این حالت، انحرافات جنسی بیشتر در ابعاد روان‌شناختی بروز پیدا می‌کند و افراد مشمول آن، مردان مبتلا به اختلال عشوه‌گری و شخصیت نمایشی هستند که گسست هویتشان موجب ایجاد چنین انحرافی در آنان شده است.

(ب) حالت زوج-زوج: متشکل از دو زن هم‌جنس‌گراست که طی آن، خانواده از هم‌بستری و هم‌پیمانی دو فرد مؤنث که شرع اسلام آن را با عنوان حرام «مساحقه» یاد می‌کند، تعبیر می‌شود.

(ج) حالت زوج-زوج: تنها حالت شرعی، اخلاقی و حتی انسانی در بین حالات نامبرده بوده که مبتنی بر ارزش‌های بشری و سلامت اخلاقی شکل گرفته است.

لذا در حال حاضر، نهاد سنتی-اخلاقی خانواده در غرب در مسیر فروپاشی قرار گرفته است. در حقیقت، هم‌اکنون سونامی طلاق، فرزندان نامشروع، خیانت جنسی و غیره حاکی از تضعیف این نهاد در غرب است. این تضعیف نهاد خانواده در غرب بنا به دلایلی اتفاق افتاده است.

علل تضعیف خانواده در غرب

- ۱- مسائل و مشکلات اقتصادی غرب و عدم ازدواج جوانان به خاطر مسئولیت مالی و فشارهای اقتصادی؛
- ۲- زوال کلیسا و توسعه گروه‌های شیطان‌پرستی و ترویج عرفان‌های کاذب شرقی و ارائه تصویر خشونت‌بار از دین و مخالفت با عقود و ارزش‌های اخلاقی و دینی مانند ازدواج و پیروی از مکاتب علوم انسانی با برداشتی مادی‌گرایانه و بی‌قیدوبندی جنسی؛
- ۳- تغییر سبک زندگی و تفسیر جدید برای خانواده و تعریفی نوین از خانواده با هدف دستیابی به آرامش در کنار هدف جنسی و در حاشیه قرار گرفتن سایر کارکردهای خانواده که دارای تبعات مختلفی از جمله بالا رفتن سن ازدواج به خاطر میل به بی‌بندوباری جنسی، ترویج خیانت و هم‌خانگی است.
- به‌عنوان یکی از مظاهر فساد اخلاقی و گرایش‌های مفسدانه به معنای ارتباط دو جنس مخالف و داشتن زندگی مشترک بدون هیچ‌گونه پیوند شرعی، رسمی و تعهد الزام‌آور با هدف رسیدن به آرامش و لذت جنسی صرف این موارد از عوامل تسریع‌بخش جریان فروپاشی نهاد خانواده در غرب است؛
- ۴- نبود ساختاری مناسب جهت ترویج ازدواج و یا ارزش‌های اخلاقی به علت تضعیف جایگاه کلیسا و دین‌گریزی نسل جوان؛
- ۵- ترویج تفکرات مفسدانه و ظهور جنبش‌های ضد اخلاقی مانند فمینیسم و در پی آن، استقلال، آزادی و بی‌قیدوبندی زنان، ترویج روابط نامشروع و ازدیاد فرزندان نامشروع؛
- ۶- قواعد خشک و کهنه مسیحیت و عدم تطابق با نیازهای روز جامعه مثل حرمت طلاق و غیرقابل گسست بودن ازدواج.

آثار تضعیف خانواده در غرب

از آثار تضعیف خانواده در غرب می‌توان به محو نقش‌های جنسی مذکر و مؤنث، مقبولیت فزاینده سقط جنین، امکان روبه‌رشد تماشای پورنوگرافی، روند چشمگیر کنار گذاشتن عقیده لزوم بکارت دختر تا زمان ازدواج، افزایش روابط جنسی خارج از ازدواج، افزایش زندگی توافقی بدون ازدواج، کاهش موالید، پیدایش نسل حرام‌زاده، شکستن قبح فرزند نامشروع، تشدید تزلزل نهاد خانواده، متعصب نشاندن جریان‌های اخلاقی، افزایش مشکلات روانی، بالا رفتن آمار

طلاق، تشدید ناآرامی‌های اجتماعی، زوال بیش‌ازپیش اخلاق، فراهم شدن و تحمل عمومی روبه‌رشد هم‌جنس‌گرایی اشاره کرد؛ تا جایی که از ازدواج و خانواده، جز اسمی و از آداب آن، جز رسمی باقی نمانده است.

تغییرات خانواده در ایران

خانواده ایرانی در گذر تاریخ همواره مسیر تحول را طی نموده که این تحول گاه به‌سوی رشد و کمال و زمانی به سمت انحطاط و سراشیبی پیش رفته است. خانواده ایرانی ظرف دهه‌های گذشته، دگرگونی‌های چشمگیری داشته و دستخوش تغییرات گسترده‌ای بوده است. این تغییرات در ایران از سال ۱۳۱۰ و در طی سه مرحله به وقوع پیوسته است. مرحله نخست شامل برنامه‌های اسکان عشایر، مرحله دوم مربوط به اصلاحات ارضی و تغییرات حاصل‌شده خانواده‌های هسته‌ای و مرحله سوم مربوط به ازسرگیری برنامه‌های تنظیم خانواده و به وجود آمدن خانواده‌های هسته‌ای بود.

درک این دگرگونی‌ها و پیش‌بینی آثار و عواقب آن از ابعاد مختلف می‌تواند به مواجهه بهتر با فضاهای درون خانواده در آینده، ظهور آسیب‌های جدید، تحولات ناشی از مدرنیته و تأثیر منفی آن بر روابط اعضای خانواده و تعامل خانواده‌ها با یکدیگر بینجامد. به باور تمام کارشناسان، تغییرات اجتماعی در جامعه ایران بسیار چشمگیر است و نهاد خانواده به‌مثابه هسته اصلی جامعه، محوریت این تغییرات را در دل خود دارد. بخش عمده‌ای از تحولاتی که در حوزه خانواده رخ داده، ساختاری است. درست است که خانواده گسترده دیروز ایران، به خانواده هسته‌ای تبدیل شده است اما خانواده هسته‌ای امروز ما کامل نیست و این موضوع، یکی از ویژگی‌های خانواده ایرانی است.

در خانواده گسترده، منبع درآمد مشترک بود و پسر شغل پدر را پی می‌گرفت اما در شکل جدید خانواده امروز ایران، خانواده شهری شده است و سبک و سیاق زندگی هسته‌ای را دارد ولی از درون به منبع مالی خانواده گسترده وابسته است. به این ترتیب، ویژگی خانواده امروز ایران در برخی موارد، هسته‌ای و در برخی موارد، گسترده است.

دلایل تغییر و تضعیف نهاد خانواده در ایران

اگرچه خانواده ایرانی بیشتر حرکتی رو به رشد و تعالی داشته اما در دهه‌های اخیر شاهد حضور برخی ضد ارزش‌ها در بخشی از خانواده‌های امروزی آن بوده‌ایم که متأثر از فرهنگ وارداتی غرب بوده و جامعه را با مشکلات متعددی روبرو نموده است.

خانواده ایرانی در حال حاضر، خانواده‌ای ناپایدار، دارای تنش و مشکلات عاطفی بوده و از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. دلیل این آشوب و مشکلات، تغییر و تحولات رخ‌داده در جامعه امروزی است. این تغییر و تحولات به جهت عبور و گذر از مرحله سنت به مدرنیته و عدم تطابق برخی از سنت‌ها و هنجارهای سنتی با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی امروز و تغییر شکل و ساختار، نقش و کارکردهای خانواده، کاهش همبستگی عاطفی و فردگرایی و فردیت محوری (به طلایه‌داری جوامع غربی) است.

طبق آمارهای ارائه‌شده در ایران، درصد تغییرات ازدواج در ده ساله اخیر دارای رشد منفی بوده است. این وضعیت در حالی است که در همین برهه زمانی، طلاق تغییرات مثبتی از خود نشان داده که نشان‌دهنده روند کاهشی ازدواج و افزایش طلاق در جامعه است. درعین حال، ازدواج سفید رشد قابل توجهی در کشور داشته است.

آمارها حاکی از آن است که دلایل تمایل جوانان به ازدواج سفید، نبود امنیت شغلی و درآمد کافی، بی‌اعتقادی به ازدواج رسمی، آزادی انتخاب فردی و حق بریدن، بی‌اعتمادی و یا آشنایی بیشتر است. با بررسی تمام دلایل مذکور برای تمایل جوانان به ازدواج سفید می‌توان نوعی فردیت‌گرایی، رشد خودمحوری و فرار از پذیرش مسئولیت را یافت؛ یعنی همان بحرانی که هم‌اکنون غرب با آن مواجه شده است.

لذا برای مدیریت این وضعیت و خروج از این جریان اسفناک نباید اجازه بدهیم جوامع غربی برای خانواده ما قانون وضع کنند بلکه باید خود با استفاده از منابع غنی ایرانی-اسلامی، قوانینی را تدوین نموده، تدابیری بیندیشیم که با تغییر و تحولات فرهنگی-اجتماعی امروزه تطابق داشته باشد و بتواند از اضمحلال روبه‌رشد خانواده و یا تشکیل و ایجاد خانواده‌های نامتعارف و غیر اسلامی جلوگیری کند.

راهکارهای جلوگیری از تضعیف و انحطاط خانواده در ایران

شناسایی جامعه و عدم انکار افزایش ازدواج‌های غیرمتعارف (ازدواج سفید)، بررسی و شناخت مسائل و مشکلات حقوقی، اقتصادی و فرهنگی اعضاء خانواده از طریق تحقیقات گسترده ملی، ارزیابی و بازنگری قوانین موجود و تدوین قوانین حمایتی لازم و اتخاذ تدابیر مناسب جهت نظارت بر حسن اجرای امور، توسعه مراکز آموزشی و مشاوره قبل و بعد از ازدواج، بسترسازی فرهنگی و آموزش و گسترش فرهنگ حجاب، جلوگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و اجتناب از تحریک جنسی جوانان خارج از چارچوب ازدواج می‌تواند از جمله سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه باشد که به پیشگیری از اضمحلال خانواده و خروج از این وضعیت اسفناک بینجامد (کارگر، بی‌تا).

نتیجه‌گیری

ماهیت خانواده به گونه‌ای است که احساس و عاطفه در آن حرف اول را می‌زند. طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه چندان سازگار نیست و قانون در ایجاد نظم خانوادگی تأثیری اندک دارد؛ حال آنکه درهای خانواده همیشه به روی ارزش‌های دینی و اخلاقی گشوده است.

عقد نکاح در اسلام صرفاً یک قرارداد حقوقی نیست بلکه پیمانی عاطفی، اخلاقی و حقوقی است. لذا رخنه دولت، به‌ویژه دولت‌های سکولار در این سرای مردمی و عاطفی اشتباه محض است و به آن آسیب می‌زند زیرا برای حل مشکلات و تدوین قوانین برای خانواده فقط به ساختن چارچوب بیرونی آن بسنده می‌کنند و یا موجب ویرانی آن می‌شوند تا موانع خودکامگی و قدرت‌نمایی خود را از سر راه بردارند. باین حال، قوانین برگرفته از ادیان الهی مبتنی بر اصول و مبانی اخلاقی، بهتر می‌تواند در راه استحکام خانواده و تدوین قوانین برای این نهاد مقدس گام بردارد. احکام دین اسلام متناسب با مقتضیات زمان و مکان تدوین یافته است. لذا علی‌رغم هرگونه تغییر در جوامع بشری، این مکتب و حیانی، دستورالعمل متناسبی با قضیه دگرگون‌یافته دارد. ممکن است انسان از فهمیدن علت و فلسفه احکام عاجز باشد اما دلیلی بر رد، نسخ و ناکارآمدی آن وجود ندارد. هرچند ممکن است مسائلی پیش آید که احکام شرع در مورد جزئیات آن قانونی را تدوین نکرده باشد و یا تفسیر مناسبی از آیات قرآن، احکام فقهی و شرعی صورت نگرفته باشد اما نباید این نکته را فراموش کرد که اصول احکام الهی که پایه‌های اساسی را تشکیل می‌دهد، در همه جا یکسان است. اصل توحید یا عدالت اجتماعی و صدها حکم مانند آن دگرگون نمی‌شود و تغییر در مسائل کوچک‌تر و دست‌دوم امکان‌پذیر است. درنتیجه، می‌توان با استفاده از ادله استنباط احکام اسلامی توسط فقیه جامع‌الشرایط و عملکردی عالمانه و فقیهانه متناسب با عصر حاضر، حکم قضیه را استخراج نمود و کمک قابل توجهی به پویایی و پایایی فقه امامیه داشت.

منابع

قرآن کریم

- امامی، سید حسن. (۱۳۷۶). حقوق مدنی. چاپ دوازدهم، جلد پنجم، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: نشر گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۹). فرهنگ لغت. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی.

- دیانی، عبدالرسول. (۱۳۷۹). وکالت در طلاق، شیوه‌های برای تعدیل حق انحلال یک‌جانبه، مجله دادرسی، ۴(۲۴)، ۱۶-۱۹.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله. (۱۳۸۴). مختصر حقوق خانواده. چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان.
- صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۲). حقوق مدنی؛ اشخاص و محجورین، چاپ هشتم، جلد اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فعالی، محمدتقی. (۱۳۹۴). اهداف و کارکردهای خانواده در اسلام، سبک زندگی رضوی، ازدواج و خانواده. چاپ اول، مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع).
- کارگر، رحیم. (بی‌تا). آینده‌پژوهی خانواده در ایران؛ ناهنجاری‌ها و مشکلات خانواده در ایران؛ بررسی علل و عوامل آن، پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ از: <http://eform.dte.ir/portal/home/?news/>
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). حقوق مدنی. چاپ ششم، جلد اول، تهران: انتشارات بهمن برنا.
- ماهوتی زرعی، فرشته. (۱۳۷۹). وکالت از زوجین، مجله دادگستر، ۴(۴).
- مدنی کرمانی، عارفه. (۱۳۹۴). دعاوی خانوادگی. چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.
- مهدوی کنی، صدیقه. (بی‌تا). قرآن و اصول حاکم بر روابط اعضاء خانواده. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).